

خیلواکی



استقلال

www.esteglaal.net

پنجشنبه ۲۱ دسمبر ۲۰۲۳

انارگل خوستی

مسابقه دفاع نمودن دو برادر، از حزب منحلۀ نادیموکراتیک خلق و پرچم

اعضای خونخوار حزب منحلۀ و نادیموکراتیک خلق و پرچم که قاتلان صد ها هزار از هموطنان بی گناه و فروش مادر وطن به بادران شوروی شان هستند، نه شرم دارند و نه حیا. این بی حیائی را هر روز در جفنگ پرانی دو برادر در وبسایت آریانا افغانستان آنلاین مشاهده می نمائیم. هر دو برادر تصمیم گرفته اند که هرو مرو و باید تا زمانیکه زمینه توسط وبسایت متذکره برای شان مساعد می ساخته می شود، نباید وقت شان را از تبلیغات برای برائت دادن حزب ناکام شان از دست بدهند.

فلذا هر دوی شان، دو نفره می خواهند اذهان طبقه جوان را مغشوش ساخته و زمینه دوباره بروز نمودن خود را مهیا سازند.

برادریکه با القاب علمی فراوان خود را قلمداد می نماید چنین معلوم می شود که در جوانی به حزب نادیموکراتیک رو آورده و بعد از کودتای بدفرجام هفتم ثور که در جرمنی به گفته خودش مصروف تحصیل بوده، در حالیکه همه سرآسیمه از طریق زمین و فضا با دست های خالی برای نجات جان شان از دست کودتاچیان جنایت پیشه در گریز بودند، جناب شان جرمنی را به قصد کابل ترک و به جمع کودتاچیان می پیوندند و از مزایای حزبی شان برخوردار می گردد.

دیده می شود که همان دوره سیزده - چهارده ساله آنقدر برایش لذت بخش بوده که مزه آن را هنوز در حس ذایقه خود احساس می کند، و ایشان مزه آن دوره ای را که با ریختانده شدن خون صد ها هزار از هموطنان ما مصادف است، از یاد نمی برند، و در لابلای ترجمه های نامفهوم خود می پردازد به تبلیغات و تیرئه نمودن رفقای حزبی جنایت کار، خائن و وطن فروش خلقی و پرچمی خود.

بطور مثال در مضمون اخیرش بعد از ترجمه افکار یک تعداد از نویسندگان بصورت درهم و برهم و نامفهوم، خود را به اصطلاح به در و دیوار می زند تا بتواند زهر خود را زیادتیر پاش بدهد.

او طور ذیل به جواب نویسنده تحت عنوان «مکثی بر "قدرت و استبداد"»، می پردازد.

اول از قول یک شخص بزرگی از پادشاهی آلمان چنین نقل می کند: «**در سیاست، نباید انتقام گرفته شود، از آنچه که واقع شده است، بلکه باید مواظب بود، که دوباره واقع نشود.**» او هم چنان تأکید می ورزیده است که «**در اشتباهی غرق نه شویم که در آن، با اظهار، یک دیگراندیش، یا در برابر تفاهم او، و یا در خواست نیک او، شک وجود داشته باشد.**»

با این نقل قول می خواهد که خود و رفقای حزبی خود را "دیگر اندیشان" قلمداد کند. ایکاش در مورد کشور آبائی ما هیچگاه هیچ "اندیشه" نمی کردید و جوی های خون جاری نمی کردید. لعنت خدا بر "اندیشه" کج شماها.

فهمیده شده نمی تواند که به کدام الفاظ برای این دیگر اندیشان فهمانده شود که جنایات شما وطن فروشان که با فروش وطن به بادران شوروی سوسیالیستی تان، آغاز گردید و می خواستید افغانستان عزیز را شامل جمهوریت های شوروی نمائید و طوق غلامی را تا ابد بر گردن های خم تان بیاویزید، و از همان زمان تا امروز در بربادی، ویرانی و دربردی مردم و کشور سهیم هستید، کشوری را به قهقرا بُرده و مردمی را با خاک و خون برابر کردید، اندکی هم شرم و حیا و شرف و آبرو می داشتید و شهادت اعتراف به خطا و "اشتباه". و اعتراف به خطا و خیانت و جرم و جنایت.

بعداً به نوشته مضمون نویسنده "قدرت و استبداد" مراجعه نموده و چنین می نویسد:

«درین جمله خودم را سخت، متعجب احساس می کنم، به حیث دوست قدیم، نگران هستم که به حافظه و برداشت شما، باید چه واقع شده باشد؟ قبل از آن یک فیلسوف و متفکر آلمانی "فریدریش فُن وایسیگر" یاد می کنم که می گفته است: «دانستن تاریخ ما هر چه ممکن باشد، مهم است، اما، ما در گذشته زنده گی نمی کنیم، که فلسفه بافی کنیم». این چنین "فلسفه بافی شما"، خیلی تعجب برانگیز است، تاریخ نتیجه را خواهد دید. «جهانی» در جایی چنین می نویسید: «مگر آیا استبداد ۱۴ ساله خلقیها و پرچمی ها را، که بلاخره به وطن فروشی و تسلیم کشور به اتحاد شوروی انجامید، با استبداد آل یحیی مقایسه کرده میتوانیم؟».

به این ترتیب می خواهد که نویسنده مضمون "قدرت و استبداد" که استبداد و وطنفروشی خلقی ها و پرچمی ها را با دوره پادشاهی قبل از کودتا به مقایسه پرداخته است، به باد ملامت گرفته و به تبلیغات و تبرئه نمودن خلقی ها و پرچمی ها چنین دوام می دهد.

« بیش از سی سال است، که شکست داده شده است. بلی، اینها شکست دیده اند، اما عزت و شرف خود آنها را به دشمن و قاتلان اصلی، نه فروخته اند.» عزت و شرف ای که نداشتند، چگونه باید می فروختند؟!

خداوند به همه هموطنان صبر عنایت فرماید تا بی حیایی و چشم سفیدی این شخص را که خود را به کوچۀ حسن چپ زده و با پر رویی هم روی کاغذ را و هم روی خود و حزبی گگ های خود را سیاه نموده است، یقین کامل است که اگر جلوش گرفته نشود نتنها به جفنگ گویی ادامه می دهد، بلکه هر روز از روز قبلی بیشتر بالای زخم های هموطنان نمک پاش می دهد. امیدوار هستم که دست این حزبی ها از تبلیغات شان گرفته شود، زیرا نویسندگان دیگر این وبسایت همه در مقابل این پرازیت های مدهش خاموشی اختیار نموده اند.

علت چیست؟

استقلال – خپلواکی: اغلاط املائی و انشائی نقل قول ها به حال خود گذاشته شده اند.